

وقایع ایل قشقای

به روایت
حاج عباسعلی خان کشکولی

به کوشش
منصور نصیری طیبی / بابک ز یلاب پور



وقایع ایل قشقای

به روایت حاج عباسعلی خان کشکولی

به تحریر

ملا حیدر زاهدی گهواده

و تقریر

میرزا نصرالله دبیری

به کوشش

منصور نصیری طیبی

بابک زیلاب پور



سرشناسه : کشکولی، عباسعلی، ۱۲۴۲ - ۱۳۲۶.
 عنوان و نام پدیدآور : وقایع ایل قشقایی به روایت حاج عباسعلی خان کشکولی / نویسنده عباسعلی خان کشکولی؛
 به کوشش منصور نصیری طیبی، بابک زیلاب پور.
 مشخصات نشر : تهران: نامک، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری : ۳۱۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۳۴-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 موضوع : قشقایی -- ایران -- تاریخ
 کشکولی
 شناسه افزوده : نصیری طیبی، منصور، ۱۳۴۹ -
 شناسه افزوده : زیلاب پور، بابک، ۱۳۶۰ -
 رده‌بندی کنگره : DSR ۷۲
 رده‌بندی دیوبی : ۹۵۵ / ۹۸۲
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۸۹۵۶۵۷۹



تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

✉ naamak.publication@gmail.com ✈ naamak.publication 📷 [@naamakpublication](https://www.instagram.com/naamakpublication)

وقایع ایل قشقایی (به روایت حاج عباسعلی خان کشکولی)

به تحریر: ملا حیدر زاهدی گهواره
 و تقریر: میرزا نصرالله دبیری
 به کوشش: منصور نصیری طیبی و بابک زیلاب پور
 اسکن و ترمیم تصاویر: مصطفی زکریا
 نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۱
 لیتوگرافی: کارا
 چاپ و صحافی: تاجیک
 شمارگان: ۷۷۰ جلد

ISBN: 978-622-6670-34-0

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۳۴-۰

همه حقوق برای این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً به هر صورت (چاپی، فتوکپی، الکترونیکی و صوتی)
 بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مرکز پخش، پارسه: ۶-۶۶۴۷۷۴۰۵ داخلی ۱

فهرست

مقدمه..... ۷

آغاز سخن..... ۹

نسخه ملا حیدر زاهدی - مختصری از زندگی ملا حیدر زاهدی - نسخه میرزا نصرالله دبیری - شرحی کوتاه از زندگی حاج عباسعلی خان کشکولی

تاریخ وقایع ایل قشقایی به تحریر ملا حیدر زاهدی..... ۲۳

خاندان قشقایی • اجداد خوانین کشکولی • کوچ قشقایی ها به کرمان • قتل مرتضی قلی خان ایل بیگی • ریاست قاسم خان کشکولی و عیوض آقا دره شوری • ایلخانی گری محمدقلی خان • مصالحه قاسم خان کشکولی و محمدقلی خان ایلخانی • تصرف قلاع بیدشهری ها ذکر اجداد و اولاد دو کشکولی بزرگ و کوچک • اولاد و فامیل اجداد کشکولی بزرگ • جدایی قاسم خان و کشکولی ها از محمدقلی خان ایلخانی • فرار عباسعلی خان اول از زندان • برقراری روابط دوستانه میان کشکولی ها و ایلخانی • ایلخانی گری حاجی نصرالله خان • بروز خشک سالی و قحطی، پیدایش هرج و مرج در ایل قشقایی • اختلاف حاجی نصرالله خان و ضرغام الدوله • ایلخانی گری اجلال السلطنه و ایل بیگی گری ضرغام الدوله • ایلخانی گری ضرغام الدوله • جنگ قره یال • جنگ ضرغام الدوله با کشکولی ها • دست به دست شدن قدرت بین ضرغام الدوله و صولت الدوله • جنگ های کودیان و تهمار ریاست سردار احتشام و امیر عطا خان بر ایل قشقایی • اختلاف میان سردار احتشام و صولت السلطنه • شورش ژاندارمری در شیراز - جنگ صولت الدوله با محمدعلی خان کشکولی • [جنگ با پلیس جنوب و اختلاف درونی ایل قشقایی] • پناهندگی طایفه دره شوری به خاک بختیاری • حمله سالار حشمت به دره شوری ها • فوت محمدخان و محمدعلی خان کشکولی • جنگ دوم فیروز آباد • برقراری صلح میان سردار احتشام و سردار عشاير • سرقت اموال پرنس ارفع الدوله • ایلخانی گری ناصر خان و ایل بیگی گری نصرالله خان • زندانی شدن حاج عباسعلی خان • مصالحه ناصر خان با کشکولی ها و دره شوری ها • صولت الدوله و نمایندگی مجلس • حکومت نظامیان بر ایل قشقایی

تاریخ وقایع ایل قشقایی به تقریر میرزا نصرالله دبیری..... ۱۰۶

دلیل نگارش تاریخ قشقایی • [گذشته] ایل قشقایی • تعداد خانوار قشقایی • مرحوم اسماعیل خان [اول] • مرام ایل قشقایی • خط سیر ایل • به هم خوردن روابط ایلخانیان و کلاتران کشکولی • کشته

شدن مرتضی قلی خان ایل بیگی • انتصاب محمدقلی خان به ایلخانی گری • عزل قاسم خان و عیوض آقا دره شوری • ازدواج محمدقلی خان با دختر قاسم خان • مهدیقلی خان پیشکار ایل قشقای • فوت محمدقلی خان • تصرف قلاع بیدشهری ها توسط محمدقلی خان ایلخانی • [کشکولی کوچک] • شمه ای از گزارش و احوال کشکولی و اجداد آنها • توضیح مجملی از سیاست امور مرحوم محمدقلی خان و دوره چهارم قشقای • شرح حال سهراب خان و عیقلی خان • بنیاد نفاق داخله سلسله ایلخانیان بر حسب شرح [و] تفصیل • وقایع بعد از برکناری سلطان محمدخان از ریاست ایل قشقای خاندان عیقلی خان ایل بیگی و نواده او و ذکر اسامی و نواده ایلخانیان و ایل بیگیان • گزارش حالات یک جمله از ایلخانیان • وقایع قبل از سنه ۱۳۰۵ ه.ق • فوت داراب خان و سلطان محمدخان و ایلخانی گری حاج نصرالله خان • انضمام ایل عرب خمسه به قشقای • مصالحه خوانین • کشته شدن ناصرالدین شاه و اغتشاش در فارس • شرارت و راهزنی • وصول مالیات دیوانی توسط حاج عباسعلی خان • به ایالت فارس رسیدن ناظم الدوله • جنگ قره یال • ایلخانی گری صولت الدوله • ایالت علاءالدوله و ایلخانی گری دوباره ضرغام الدوله • تشکیلات و بارگاه ایلخانی • ایالت علاءالدوله و کلاتری محمدحسن خان کشکولی • انقلاب مشروطه و دودستگی قشقای ها • کشته شدن حیدرخان و خورشید کمارجی • ایالت نظام السلطنه • جنگ بین سردار احتشام و سردار عشایر • جدایی صولت السلطنه از سردار احتشام • خروج سردار احتشام از ایل قشقای • ایلخانی گری سردار عشایر و ایل بیگی گری صولت السلطنه • تصرف طایفه دره شوری توسط سردار عشایر • جدایی محمدعلی خان کشکولی از سردار عشایر • پناهنده شدن قوام الملک به سردار عشایر • جنگ تیزدنگ • جنگ باسه کان • جنگ قشقای ها با انگلیسی ها • عقب نشینی صولت الدوله به گرمسیرات فارس • شمه ای از گزارش اولین دفعه که سردار احتشام فیروز آباد را متصرف شد • کشته شدن محمدخان و فوت محمدعلی خان کشکولی • تلاش مجدد سردار عشایر برای تصرف فیروز آباد • جنگ دوم فیروز آباد و شیوع شدید بیماری آنفولانزا • پناه بردن صولت السلطنه و ایاز کیخا به ایل بختیاری • فوت حیدرعلی خان کشکولی

۲۵۳.....ضمایم

الف) تاریخ وفات خوانین کشکولی در پایان دفتر اول به قلم ملا حیدر زاهدی • ب) شجره نامه خوانین کشکولی در دفتر دوم به قلم میرزا نصرالله دبیری که در صفحه های ۳۲ و ۳۳ اصل متن نوشته شده است • پ) شجره نامه فرزندان حسن آقا و محمد آقا (کشکولی بزرگ و کشکولی کوچک و قراچه) که در متن نسخه ها نوشته شده است.

۲۶۰.....آلبوم تصاویر

۲۸۵.....نمایه اشخاص

۲۹۷.....نمایه مکان ها

۳۰۷.....نمایه ایالات، طوایف، تیره ها

۳۱۱.....نمایه کتاب ها و مجلات

مجموعهٔ خاطرات و اسناد ملک منصور خان قشقایی - ۳

۱. خاطرات ملک منصور خان قشقایی
۲. تاریخ ایل قشقایی، خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر
۳. وقایع ایل قشقایی، خاطرات حاج عباسعلی خان کشکولی
۴. از پست و بلند قشقایی، خاطرات مختار خان گرگین پور

مقدمه

روایت حاج عباسعلی خان کشکولی از وقایع ایل قشقایی از جمله روایات مهمی است که از دیرباز از وجود نسخه‌هایی از آن سخن در میان بوده است و اینک خوشبختانه به همت پژوهشگران گرامی، آقایان منصور نصیری طیبی و بابک زیلاب پور، متن منقحی از این روایت بر اساس تطبیق و بررسی سه نسخه خطی فراهم آمده است که در اختیار پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ معاصر این مرز و بوم قرار می‌گیرد.

درباره زندگانی مرحوم حاج عباسعلی خان کشکولی، نسخ برجای مانده از خاطرات او، شرح حال مختصر منشی‌های ایشان و نحوه تدوین این مجموعه در آغاز سخن توضیحات لازم ارائه شده است و آنچه می‌توان در ادامه افزود چند نکته کوتاه بیش نیست.

این دو روایت یعنی تحریر ملا حیدر زاهدی گهواده و تقریر میرزا نصرالله دبیری از یادداشت‌های برجای مانده ایشان و احیاناً دیگر اظهارات حاج عباسعلی خان اگرچه یکی - اولی - فشرده‌تر و شاید هم در بخش‌هایی در بیان رخدادها صریح‌تر باشد و از لحاظ زمانی دوره طولانی‌تر را شامل شود، اما از لحاظ مضامین مورد بحث با نسخه دوم تفاوت چندانی ندارد جز آن که روایت دوم چه در بیان تحولات کلی ایل قشقایی و چه در توضیح سرگذشت طایفه کشکولی و سران آن از شرح و تفصیل و همچنین جزئیات بیشتری برخوردار است.

حاج عباسعلی خان کشکولی در یک دوره طولانی از تحولات مورد بحث در دوره ایلخانی‌گری عبدالله خان ضرغام‌الدوله خود شاهد بسیاری از آن رخدادها و از یک مرحله به بعد در دوره ایلخانی‌گری اسماعیل خان صولت‌الدوله و حتی بعد از برکناری وی و سپردن قشقایی به دست حکومت نظامی در مراحل نخست دوره

پهلوی خود از بازیگران عمده و مؤثر آن عرصه بود، از همین رو شاید می شد انتظار داشت که در توضیح پاره‌ای از این تحولات، نکات و جزئیات بیشتری را ارائه کند. اما چنین انتظاری برآورده نمی‌شود، ولی این در اصل کار که افزوده شدن روایتی نو بر دیگر روایات موجود از تاریخ قشقایی است تفاوتی ایجاد نمی‌کند، آن هم روایتی از منظر ایل کشکولی و ملاحظات سران و خوانین آن که شاید در پاره‌ای از دیگر روایات و گزارش‌های برجای مانده که بیشتر از منظر ایلخان‌ها نوشته شده‌اند نمی‌توانسته است به صورت کافی موضوع تأکید و توجه بوده باشد.

به هر روی همان گونه که اشاره شده اصل آن است که با شناسایی مآخذی از این دست حتی‌الامکان بر غنا و تکثر منابع موجود افزود که خوشبختانه با اقدام آقایان منصور نصیری طیبی و بابک زیلاب‌پور در آماده‌سازی این مجموعه برای انتشار در مجموعه موسوم به خاطرات و اسناد ملک منصورخان صولت قشقایی و همچنین توفیق آن‌ها در شناسایی چند مأخذ مشابه دیگر که امیدواریم آن‌ها نیز به ترتیب در همین چارچوب منتشر گردند که در این زمینه تحولات امیدوارکننده‌ای آغاز شده است.

کاوه بیات

آغاز سخن

این مجموعه مشتمل بر بازنویسی و تصحیح سه نسخه خطی در ارتباط با تاریخ ایل قشقایی و طایفه کشکولی است، که از حاج عباسعلی خان کشکولی که خود اطلاعات زیادی از وقایع تاریخی ایل قشقایی و طایفه کشکولی داشته نقل شده است. نسخه اول که به قلم ملا حیدر زاهدی منشی حاج عباسعلی خان به تحریر در آمده است با عنوان «نسخه ملا حیدر زاهدی» یاد می‌گردد. اما نسخه دوم که توسط میرزا نصرالله دبیری کتابت شده با عنوان «نسخه میرزا نصرالله دبیری» ذکر می‌شود. نسخه میرزا نصرالله دبیری از دو دفتر یا نسخه مجزا تشکیل شده است. دفتر اول معروف به نسخه آقای «حسینقلی خان فارسیمدان» و دفتر دوم معروف به نسخه آقای «ملک منصورخان قشقایی» است. در تفاوت بین نسخه‌های «حسینقلی خان فارسیمدان» و «ملک منصورخان قشقایی» باید گفت که نسخه حسینقلی خان فارسیمدان مقدم بر نسخه آقای ملک منصورخان است و نویسنده ابتدا نسخه حسینقلی خان فارسیمدان را نوشته است و سپس در بازنویسی، همان مطالب را با شرح و تفصیل بیشتری در نسخه آقای ملک منصورخان آورده است. البته مطالب نسخه حسینقلی خان فارسیمدان تا وقایع اختلاف خضر بیگ کشکولی با مسیح خان فارسیمدان است که داراب خان ایل بیگی وی را از کلانتری طایفه کشکولی خلع و حاج محمد کریم خان را جانشین وی می‌کند. بنابراین منبای تصحیح و کار مصححان همان نسخه کامل تر آقای ملک منصورخان است. اما در نسخه حسینقلی خان فارسیمدان مطالبی وجود دارد که در نسخه آقای ملک منصورخان نیامده است. بنابراین با توجه به اهمیت مطالب و تفاوت‌های دو نسخه در پانویس، این مطالب با عنوان «نسخه الف» که همان نسخه حسینقلی خان فارسیمدان است ذکر شده است.

نسخه ملا حیدر زاهدی

در نسخه ملا حیدر زاهدی هیچ جا کاتب نام خود را ذکر نمی کند اما بر اساس گفته های حاج حیدر خان عباسی کشکولی نوۀ حاج عباسعلی خان کشکولی و محمد زاهدی نوۀ ملا حیدر زاهدی، کاتب این نسخه ملا حیدر زاهدی است.^۱

آن گونه که از متن نسخه مشخص است حاج عباسعلی خان کشکولی وقایع تاریخی را بازگو می نمود و ملا حیدر زاهدی آن وقایع را کتابت می کرد. در این نسخه حاج عباسعلی خان هدف از نگارش کتاب را چنین ذکر می کند که چون تاکنون از وقایع و تاریخ قشقایی اطلاعات مکتوبی در دسترس نبوده وی تلاش کرده تا تاریخ قشقایی را بنویسد تا بعداً خوانندگان از آن تاریخ مطلع شوند. برای این منظور نویسنده برای نگارش مطالب یا از اشخاص کهنسال و مطلع پرس و جو کرده و یا آنچه را که خود شاهد بوده به تحریر در آورده است. در واقع این نسخه، تاریخی مختصر از وقایع درونی ایل قشقایی و طایفه کشکولی را در بر می گیرد که در آن مطالب بکر و منحصر بفردی ارائه شده است.

در این نسخه روایت تاریخ ایل قشقایی از اواخر دوره صفویه آغاز گشته و در ادامه وقایع تاریخی ایل قشقایی در قالب شرح زندگانی دو خاندان در ایل قشقایی توضیح داده شده است. یکی خاندان سران قشقایی یا اولاد جانی خان که خاندان حاکم بر ایل قشقایی بودند. بدین ترتیب شرح وقایع از زمان نامدار آقا فرزند بیگ محمد آقا آغاز شده و تا زمان حیات راوی ادامه یافته است. خاندان دیگر، کلانتران طایفه کشکولی است که سرگذشت جد بزرگ کلانتران طایفه کشکولی یعنی حسین خان و فرزندانش را در بر می گیرد. با توجه به نسبت فامیلی دو خاندان با یکدیگر و مسئله حفظ قدرت ایلی، در واقع نویسنده تلاش کرده که فراز و فرود روابط فی مابین را شرح دهد.

رویدادهایی که در این نسخه به آن اشاره شده را می توان به دو قسمت تقسیم کرد. بخشی که حاج عباسعلی خان خود شاهد وقایع نبوده و قبل از زندگی ایشان روی داده که آن ها بر اساس شنیده های خود از دیگران روایت کرده است. این قسمت شامل شرح وقایعی چون کوچ ایل قشقایی به کرمان، کشته شدن مرتضی قلی

خان ایل بیگی، سرپرستی ایل قشقایی توسط قاسم خان کشکولی و عیوض آقا دره‌شوری در غیاب محمدقلی خان ایلخانی، تصرف قلاع بیدشهری‌ها، روابطه بین سران کشکولی و خاندان ایلخانی قشقایی و غیره است.

قسمت دوم شامل رویدادهایی است که نویسنده خود شاهد آنها بوده است از این رو نویسنده در شرح رویدادهایی که در متن آنها قرار داشته در موارد متعدد نام خود را بدین گونه «این جانب حاج عباسعلی خان» یا «بنده» آورده است. این وقایع از سال ۱۳۱۳ ه.ق یعنی سال کشته شدن ناصرالدین شاه و بروز ناآرامی و اغتشاش در فارس آغاز می‌شود. این دوران هم‌زمان با ایلخانی‌گری عبدالله خان ضرغام‌الدوله بود که از طرف ایالت فارس مأمور می‌شود تا در مناطق مختلف امنیت لازم را برقرار کند. در این مأموریت که حاج عباسعلی خان، ایلخانی قشقایی را همراهی می‌کند خاطرات خود را به تفصیل شرح داده است. این مجموعه از این منظر قابل توجه است که نویسنده به عنوان فردی ایلداری و از سران طایفه کشکولی شاهد وقایعی از درون ایل قشقایی بوده است. علاوه بر این اطلاعات منحصر به فردی که نویسنده دربارهٔ زمان حیات و ایلخانی‌گری عبدالله خان ضرغام‌الدوله ارائه می‌کند به واسطهٔ کمبود داده‌های تاریخی این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در خلال آن نویسنده از کشمکش‌های فرزندان داراب خان یعنی ضرغام‌الدوله، صولت‌الدوله، صولت‌السلطنه، سردار احتشام بر سر تصاحب قدرت، خاطرات و داده‌های تاریخی دست‌اول و مهمی را بازگو می‌کند و هر از گاهی به نقش خود به‌عنوان میانجی یا حامی یکی از طرفین درگیری اشاره‌ای می‌کند. سپس نویسنده به وقایعی از جمله شرح جنگ قشقایی‌ها با انگلیسی‌ها، ایلخانی‌گری ناصرخان اشاره کرده و سرانجام نگارش آن با عزل ناصرخان از ایلخانی‌گری و برقراری حکومت نظامی و خلع سلاح ایل قشقایی در سال ۱۳۰۴ ه.ش پایان می‌یابد. در پایان نویسنده جدولی از اسامی سران طایفه کشکولی (فرزندان قاسم‌خان و حاج عباسعلی خان کشکولی) را با ذکر سال وفاتشان ترسیم کرده است.

اصل تک نسخهٔ معروف به «ملا حیدر زاهدی» نزد حاج حیدرخان عباسی کشکولی فرزند حاج فضل‌الله خان فرزند حاج عباسعلی خان دوم نگهداری می‌شود. این نسخه به خط شکستهٔ تحریری با عیار متوسط در ۵۸ صفحه و کلاً ۲۹ برگ به‌نگارش در آمده است.

مختصری از زندگی ملا حیدر زاهدی

ملا حیدر زاهدی از تیره گهواده از طایفه کشکولی کوچک در سال ۱۲۷۷ه.ش متولد شد. پدرش ملا جانعلی و مادرش خوش اندام از تیره گهواده بودند. ملا جانعلی در تشکیلات و دستگاه اداری صولت‌الدوله قشقای سمت منشی‌گری داشت. وی که جزو منشیان مخصوص ایلخانی و مسئول نگارش نامه‌های محرمانه و احکام وی محسوب می‌شد، بسیار مورد اعتماد صولت‌الدوله بود. ملا جانعلی سه پسر به نام‌های سردار، هدایت‌الله و حیدر داشت که هر سه بعد از پدر شغل مکتب‌داری و منشی‌گری را ادامه دادند.

ملا حیدر از دوره جوانی به عنوان منشی به خدمت حاج عباسعلی خان و حمزه‌خان کلانتران کشکولی کوچک در می‌آید. ایشان مانند پدر تمام نوشته‌ها و نامه‌نگاری‌های محرمانه و احکام صادره از طرف حاج عباسعلی خان و حمزه‌خان را می‌نوشت و با امضا و مهر خان تکمیل می‌نمود.

ملا حیدر در همان زمان از طرف حاج عباسعلی خان به بازنویسی و تکمیل خاطرات و وقایع تاریخی ایل قشقای و کشکولی‌ها مأمور می‌شود. در این راستا خود نیز مطالبی به اطلاعات کتاب می‌افزاید اما با بیماری و فوت حاج عباسعلی خان ادامه نگارش کتاب ناقص باقی می‌ماند.

ملا حیدر هم‌چنان در طایفه کشکولی به شغل مکتب‌داری مشغول بود به گونه‌ای که اکثر بزرگان طایفه کشکولی در مکتب ایشان به تحصیل سواد پرداختند. ملا حیدر سرانجام در تاریخ مرداد ماه سال ۱۳۶۸ه.ش به رحمت ایزدی پیوست.^۱

۱- به نقل از محمد زاهدی، زمستان ۱۳۹۶.

نسخه میرزا نصرالله دبیری

آن گونه که پیش از این ذکر شد نسخه میرزا نصرالله دبیری، شامل دو دفتر یا دو نسخه «ملک منصورخان» و نسخه «حسینقلی خان فارسیمدان» است. نسخه «ملک منصورخان» بازنویسی کامل تر از نسخه معروف به «حسینقلی خان فارسیمدان» است. در ابتدای کتاب، نویسنده بدون آنکه آشکارا نامش را بنویسد، شرحی کوتاه از وقایع زندگی خود، ایلخان قشقای، طایفه کشکولی و هدف از نگارش وقایع ایل قشقای می نویسد. نویسنده خود را متولد طایفه کشکولی معرفی می کند، و می نویسد که در سال ۱۳۳۵ه.ق وقتی ابوالفتح خان کشکولی کلانتری طایفه کشکولی را بر عهده داشت به دلیل هرج و مرج در ایالت فارس، چون در آن سال صولت الدوله به دلیل مخالفت با سیاست دولت انگلیس مجبور می شود تقریباً به مدت سه سال در گرمسیر فارس یعنی فیروزآباد، بلوک قیر و کارزین، اربعه و سبعه جات در املاک خود اقامت کند پس ابوالفتح خان کشکولی نیز به همراه بخشی از طایفه کشکولی با صولت الدوله به گرمسیر می رود، که نویسنده کتاب نیز همراه ابوالفتح خان بوده است. در سال ۱۳۳۸ه.ق یک سال پس از شیوع بیماری آنفلوآنزا، ابوالفتح خان از گرمسیرات فارس به خاک کشکولی باز می گردد اما نویسنده جوان که تازه ازدواج کرده بود همراه ابوالفتح خان به خاک طایفه کشکولی باز نمی گردد و به عنوان منشی به خدمت صولت الدوله درمی آید. وی که به مدت دو سال به منشی گری در دستگاه صولت الدوله اشتغال داشته است در سال ۱۳۳۹ه.ق منشی حمزه خان کلانتر طایفه کشکولی کوچک می شود. نویسنده گرچه اشاره می کند که تا سال ۱۳۵۶ه.ق/۱۳۱۶ه.ش منشی بوده اما مشخص نیست که آیا وی منشی حمزه خان بوده یا به منشی گری شخص دیگری اشتغال داشته است. تا اینکه در سلطنت رضاشاه که بزرگان ایل قشقای از جمله حمزه خان به تهران تبعید می شوند حاج عباسعلی خان به کلانتری طایفه کشکولی کوچک منصوب می شود. گرچه کاتب اشاره مستقیمی نکرده، اما آنچه مشهود است وی منشی حاج عباسعلی خان نیز بوده است. کاتب در نشست و برخاست هایی که با وی داشت از آرزو و قصد حاج عباسعلی خان برای نگارش کتابی در مورد تاریخ ایل قشقای و خاندان ایلخانان و طایفه کشکولی خبر می دهد. بنا به روایت وی، حاج عباسعلی خان برگ های پراکنده ای به مرور زمان در

این موضوع نوشته بود که ۵-۶ سال نزد نویسنده بوده و او موفق نمی‌شود تا آن اوراق را انسجام دهد و تبدیل به یک دفتر نماید. تا اینکه بعدها بر اثر اصرار برخی از خوانین کشکولی همچون احمدخان و الیاس خان کشکولی برای روشن ساختن تکلیف این اوراق نویسنده تصمیم می‌گیرد تا با توجه به دینی که حاج عباسعلی خان بر گردنش داشته حق نمک‌خوارگی را به جا آورده و آرزوی حاج عباسعلی خان را برآورده کند و کتابی در تاریخ طایفه کشکولی و ایل قشقایی به نگارش در آورد. البته ذوق و علاقه کاتب در این موضوع نیز در پیشرفت نگارش کتاب بسیار اهمیت داشته است.

با وجود اینکه کاتب از تاریخ ایل قشقایی آگاه بود و قسمت‌هایی از کتاب را خود نوشته است، ولی بخش زیادی از مطالبش را بر اساس روایت‌های شفاهی حاج عباسعلی خان کشکولی به رشته تحریر در آورده است. کاتب وقایع را از زبان حاج عباسعلی خان و به صورت نقل قول مستقیم ذکر کرده است. پس در هنگام روایت از وی، ضمیری چون من و ما و بنده حاج عباسعلی خان را به کار برده است. کاتب در این مورد می‌نویسد: «از من و ما و بنده برای استحضار قارئین، راوی عمده این کتابت حاج عباسعلی خان بن حاج موسی بن حاج عباسعلی خان اول از نواده محمد آقا در مقالات قبل، خطابه نام ایشان می‌شد حالا سهواً ما و من به میان آمد برای اطلاع خوانندگان محترم توضیح داده شد». این نقل قول‌ها و روایات از حاج عباسعلی خان نیز همانند نسخه نخستین از زمان حیات داراب‌خان و فرزندش عبدالله‌خان ضرغام‌الدوله شروع می‌شود و اطلاعات دست اول و مهمی از وقایع ایل قشقایی و طایفه کشکولی از زمان ناصرالدین شاه و داراب‌خان تا سال ۱۳۳۷ ه.ق و جنگ قشقایی‌ها با پلیس جنوب که خود راوی در مرکز وقایع قرار داشت و از مخالفان صولت‌الدوله قشقایی بود، ارائه می‌دهد. با تمام این احوال کاتب یا حاج عباسعلی خان در شرح وقایع ایل قشقایی نامی برای کتاب خود انتخاب نکرده‌اند.

نویسنده تاریخ شروع نگارش وقایع ایل قشقایی و طایفه کشکولی را روز یکشنبه ۲۴ رجب ۱۳۴۶ ه.ق / ۲۷ دی ماه ۱۳۰۶ ه.ش ذکر کرده است. وی مطالبش را درباره گذشته ایل قشقایی و طایفه کشکولی، خط سیر و جمعیت ایل قشقایی آغاز می‌کند. مطالب کتاب با شرح جنگ قشقایی‌ها با پلیس جنوب و ایجاد اختلاف درونی در آن ایل پایان می‌یابد. آخرین تاریخ روایت شده در کتاب سال ۱۳۳۶ ه.ق

و فوت محمدخان و محمدعلی خان کشکولی است. مطالب کتاب ناقص به پایان می‌رسد که به نظر حاج حیدرخان عباسی کشکولی «حاج عباسعلی خان به علت ابتلا به بیماری و سکت، دیگر نمی‌تواند روایت‌های خود را که به صورت شفاهی به کاتب می‌گفته را ادامه بدهد لذا کتابت آن نیمه تمام باقی می‌ماند»^۱. با این حال مشخص نیست که شرح وقایع تا کجا ادامه می‌یابد زیرا نسخه‌هایی که به دست مصححان رسیده نیز ناقص هستند و مشخص نیست که این نقص به دلیل از بین رفتن بخشی از اوراق نسخه‌هاست یا آنکه واقعاً مطالب نویسنده تا جایی است که در این نسخه‌ها وجود دارد پایان یافته است.

بنا به اظهار آقای شیرافکن خان کشکولی (نوه دیگر حاج عباسعلی خان)، حاج عباسعلی خان که از سواد کافی بهره‌مند بود و خود در بطن بسیاری از وقایع سیاسی ایل قشقایی قرار داشت، یادداشت‌های پراکنده‌ای از وقایع تاریخی طایفه کشکولی و ایل قشقایی داشت. پس اوراق مزبور که زیاد خوانا نبودند در اختیار منشی ایشان میرزا نصرالله دبیری قرار می‌گیرد تا در دفتری مستقل بازنویسی و تدوین گردد.^۲ نسخه معروف به میرزا نصرالله دبیری همان‌گونه که پیشتر خاطر نشان گردید شامل دو نسخه یعنی نسخه آقای ملک منصورخان و نسخه آقای حسینقلی خان فارسیمدان است. در این نسخه‌ها کاتب نام خود را نمی‌نویسد اما از نظر خط‌شناسی به نظر آقای غلامرضا جهانشاهی استاد خوشنویسی، هر دو نسخه را یک نفر یعنی میرزا نصرالله دبیری با خط نستعلیق نسبتاً خوب نوشته است.

مبنای روش تصحیح بر پابندی مصححان به رسم امانتداری پایه‌گذاری شده است. هر جای متن که نیاز به توضیح تاریخی و جغرافیایی مطالب بود در پانویس آورده و شرح داده شده است. همان‌گونه که اشاره شد در تصحیح نسخه میرزا نصرالله دبیری مبنای کار همان نسخه آقای ملک منصورخان گذاشته شد. این نسخه بازنویسی کامل‌تری از نسخه آقای حسینقلی خان فارسیمدان است بنابراین مصححان مطالب مهمی که در نسخه حسینقلی خان وجود داشت ولی در نسخه آقای ملک منصورخان آورده نشده بود را در پانویس با عنوان «نسخه الف» درج کرده‌اند.

۱- به نقل از حاج حیدرخان عباسی کشکولی، زمستان ۱۳۹۶.

۲- به نقل از شیرخان کشکولی، تابستان ۱۳۹۹.

نثر این نسخه‌ها روان نیستند؛ نویسندگان و کاتبان از شکل پیوسته‌نویسی جملات استفاده کرده‌اند که این امر گویا شکل رایج در بین برخی از کاتبان و نویسندگان دوره قاجار بوده است. آن‌ها در موارد بسیاری به جای به کارگیری فعل کامل در جملات مستقل، صفت مفعولی به کار برده‌اند، که در پایان جملات از افعال بی‌ربط با اشخاص و ضمائر جمله‌های پیشین استفاده کرده‌اند. از این رو مصححان به دلیل پابندی به رسم امانتداری، در متن و جمله‌بندی‌ها تغییری ایجاد نکردند اما کلمات با رسم‌الخط امروزی و ویرایش شدند و غلط‌های فراوان املائی نسخه‌ها مانند پذیرفته، خوانه و آزوقه تصحیح گردیدند. واژه‌هایی که مصححان بر حسب مقتضای جمله اضافه کرده‌اند در میان علامت قلاب [] گذاشته شدند. هم‌چنین کلماتی که افتادگی داشتند یا ناخوانا بودند با علامت [...] مشخص شده است.

برخی از تفاوت‌های دو نسخه «میرزا نصرالله دبیری» و «ملا حیدر زاهدی» در زیر آورده می‌شود:

نسخه‌های کتابت میرزا نصرالله دبیری	نسخه کتابت ملا حیدر زاهدی
۱- میرزا نصرالله دبیری نویسنده کتاب که منشی خوانین کشکولی بوده در ابتدای کتاب شرحی کوتاه از زندگی خود بدون آوردن نام خود می‌آورد و علاوه بر آنکه به تاریخ قشقایی و کشکولی آگاه بوده بخش‌های مهمی از کتاب را بنا به روایت شفاهی حاج عباسعلی‌خان کشکولی ذکر کرده است.	۱- نویسنده در ابتدای نگارش توضیحی درباره زندگی خود نداده است اما در شرح وقایع نام خود را می‌آورد و خودش را حاج عباسعلی‌خان معرفی می‌کند.
۲- نویسنده گرچه به تاریخ گذشته ایل قشقایی پرداخته اما با شرح و تفسیر بیشتری توضیح داده و به مسائلی چون تعداد خانوارهای ایل قشقایی، آداب و رسوم، خط سیر و مناطق بیلاقی و قشلاقی پرداخته است.	۲- نویسنده شرح مختصری از گذشته ایل قشقایی آورده است.
۳- نویسنده شجره‌نامه خاندان قشقایی و رؤسای طایفه کشکولی را با شرح و توضیح بیشتری نوشته است.	۳- حاج عباسعلی‌خان، شجره‌نامه خاندان قشقایی (جانی‌خان) و سران طایفه کشکولی را نوشته است.
۴- نویسنده کوچ ایل قشقایی به کرمان را نوشته است.	۴- نویسنده کوچ ایل قشقایی به کرمان را نوشته است.

۵- نویسنده شرح و تفسیر بیشتری از تیره‌های طایفه کَشکولی داده است.	۵- حاج عباسعلی‌خان توجه کمی به تیره های طایفه کَشکولی داشته است.
۶- کتاب، تاریخ طایفه کَشکولی در بستر وقایع ایل قشقایی است که نویسنده نسبت به نسخه ملا حیدر زاهدی با شرح و تفسیر بیشتری نوشته است.	۶- کتاب، تاریخ طایفه کَشکولی در بستر وقایع ایل قشقایی است.
۷- کتاب با شرح جنگ ایل قشقایی با پلیس جنوب و فوت محمدخان و محمدعلی‌خان کَشکولی پایان می‌پذیرد.	۷- کتاب با وقایع سال ۱۳۰۴ه.ش و عزل محمدناصر خان از ایلخانی‌گری ایل قشقایی و برقراری حکومت نظامی در ایل پایان می‌یابد.

شرحی کوتاه از زندگی حاج عباسعلی‌خان کَشکولی

حاج عباسعلی‌خان فرزند حاج موسی‌خان مشهور به «سامی» فرزند حاج عباسعلی‌خان بزرگ بود. حاج موسی‌خان دو بار ازدواج می‌کند. ابتدا با حاجیه مریم بی‌بی دختر عمویش فضلعلی بیگ ازدواج می‌کند. از حاصل این وصلت فرزندان به نام‌های حسین‌خان، حاج عباسعلی‌خان دوم، نصرالله‌خان، نگار بی‌بی و حاجیه شرف بی‌بی به عرصه وجود می‌آیند. همسر دوم حاج موسی‌خان، گل اندام بی‌بی دختر قاسم‌خان کَشکولی بود.

حاج موسی‌خان کلانتر طایفه کَشکولی بود که پس از فوت، برادرش حاج عبدالله‌خان (پدر خدیجه بی‌بی همسر صولت‌الدوله) این منصب را بر عهده می‌گیرد. پس از وفات حاج عبدالله‌خان به سال ۱۳۲۲ه.ق فرزندش حمزه‌خان و حاج عباسعلی‌خان به طور مشترک کلانتران طایفه کَشکولی کوچک می‌شوند. این برای اولین بار بود که بیش از یک نفر کلانتری طایفه کَشکولی کوچک را بر عهده می‌گیرند. تیره‌های تشکیل دهنده طایفه کَشکولی کوچک عبارتند از اُخچللو، کرمانی، پاگیر، فیلون، عالی‌وند، سهم‌الدینی، گهواده، عمله کیخایان، لک، بلو، نفر، اوریاد، لر.

در باب زندگی حاج عباسعلی‌خان علاوه بر آنچه که خودش در این کتاب در مورد شرح وقایع و ارتباطش با آنها بیان کرده است، دو منبع مکتوب و مهم نیز به زندگی حاج عباسعلی‌خان اشاره کرده‌اند که عبارتند از خاطرات ملک منصورخان قشقایی و تاریخ ایل قشقایی اثر میرزا نصرالله‌خان قهرمانی معروف به معین دفتر که

با استناد به این منابع مکتوب بخشی از زندگی حاج عباسعلی خان روشن می‌شود. که در ذیل این مطالب ذکر خواهد شد.

معین دفتر در خاطراتش می‌نویسد: «یکی از فرزندان حاج موسی خان، حاج عباسعلی خان بود که در شجاعت و رشادت و سیاست و حسن تدبیر معروف بود. در ایجاد انقلاب در داخله قشقایی تسلط و قدرت مخصوصی داشت به همین واسطه اغلب [مورد] بی‌مرحمتی سردار عشایر واقع شده در حبس و زنجیر بود»^۱.

در جریان جنگ قشقایی‌ها با پلیس جنوب به رهبری صولت‌الدوله، سرپرسی سایکس فرمانده پلیس جنوب با کمک عبدالحسین میرزا فرمانفرما و ابراهیم خان قوام‌الملک برای شکست قشقایی‌ها اقدام به ایجاد تفرقه در میان ایل نمود. به این صورت که صولت‌الدوله را از ایلخانی‌گری قشقایی عزل و احمدخان ضیغم‌الدوله (سردار احتشام) را ایلخانی نمودند. از جمله طرفداران وی علی خان سالار حشمت و محمدعلی خان کشکولی بودند. این ائتلاف ضد صولت‌الدوله باعث شد که وی با نیروهایش از محاصره شیراز دست بردارند و به طرف فیروزآباد عقب‌نشینی نمایند. حاج عباسعلی خان که پسر خاله صولت‌الدوله و پسر عموی همسرش خدیجه بی‌بی بود ظاهراً پس از جنگ کره‌داشی و پیش از جنگ اول فیروزآباد در اردوی سردار عشایر بوده است. او در ظاهر اظهار دوستی می‌کرد اما باطناً با سردار احتشام مرتبط بوده و هر روز گزارش و دستور عملیات را می‌داد. این اقدام بیشتر باعث شکست صولت‌الدوله شد.^۲ در این زمان سحاج عباسعلی خان از اردوی صولت‌الدوله جدا می‌شود و در صف ائتلاف مخالفان قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در جنگ و گریزهایی که میان دو طرف در مناطقی چون بلوک قیرو و کارزین، افزر، چاه کاظم، فیروزآباد، خلند و غیره روی داد حاج عباسعلی خان حضور داشت و با ائتلاف مخالفان همکاری می‌نمود.^۳ پس از فوت محمدعلی خان کشکولی گرچه عده‌ای مترصد فرصت بودند تا از نزد سردار احتشام فرار کنند اما عده‌ای صمیمانه به او

۱- میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر، تاریخ ایل قشقایی، به کوشش کاوه بیات، تهران، نشر نامک، ۱۳۹۹، ص ۴۷۹.

۲- تاریخ ایل قشقایی، معین دفتر، پیشین، ص ۳۲۵.

۳- ملک منصور صولت قشقایی، خاطرات ملک منصور خان قشقایی، به کوشش کاوه بیات و منصور نصیری طیبی، تهران، نامک، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۲۸، ۱۲۳، ۱۱۷.

خدمت می کردند از جمله این افراد از طایفه کشکولی کوچک حاج عباسعلی خان و مظفرخان بودند.^۱ پس از جنگ اول فیروزآباد و فرار صولت الدوله به گرمسیرات جنوب فارس بلوکاتی چون فیروزآباد و قیر و کارزین به دست سردار احتشام و طرفدارانش افتاد. اما صولت الدوله توانست با تجدید قوا دوباره برای تصرف فیروزآباد باز گردد. در این بازگشت محمدناصر خان توانست حیدرقلی خان عبدالرحمانی را که از طرف سردار احتشام به نیابت بلوک قیر و کارزین گماشته شده بود فراری دهد. حاج عباسعلی خان که در این زمان برای جمع آوری عواید هنگام، دهرم و دهرود و پنجشیر رفته بود فرار کرده و به فیروزآباد می رود. هنگام نزدیک شدن اردوی صولت الدوله به فیروزآباد حاج عباسعلی خان، مظفرخان کشکولی، حاج خان بک درمه، بهمن بیک میچک با یکصد نفر تفنگچی از طرف سردار احتشام مأمور گردنه سیاخی شدند تا جلوی اردوی صولت الدوله را بگیرند اما با آمدن پیش قراولهای صولت الدوله آنها به کوشک فیروزآباد باز می گردند و در باغ گلشن سنگر می گیرند. در محاصره باغ گلشن توسط نیروهای صولت الدوله، سنگر تل حاجی توسط حاج عباسعلی خان و مظفرخان کشکولی محافظت می شد. در هنگام جنگ دوم فیروزآباد نیروهای پلیس جنوب به کمک سردار احتشام می آیند. هنگامی که نیروهای پلیس جنوب به فرماندهی کلنل اورتن در خواجه ای بودند، حاج عباسعلی خان و حیدرقلی خان عبدالرحمانی از طرف سردار احتشام برای راهنمایی آنها می روند.^۲

در دوره والی گری دکتر مصدق، در ۷ ربیع الثانی ۱۳۳۹ه.ق/ شنبه ۲۷ آذر ۱۲۹۹ه.ش محمدناصرخان به منصب ایلخانی و نصرالله خان پسر سردار احتشام به منصب ایل بیگی قشقایی منصوب می شوند. اما بخش زیادی از قشقایی ها به نصرالله خان قشقایی بی اعتنایی می کنند و سرانجام او مجبور می شود تا از منصبش کناره گیری کند. در این زمان صولت الدوله موقعیت سیاسی اش بهبود می یابد. او بعد از ترتیب کارهای ایل به طرف قیر و کارزین می رود. صولت الدوله در آنجا حاج عباسعلی خان را محاکمه می کند و با بر شمردن تقصیراتش او را زندانی می نماید.

۱- تاریخ ایل قشقایی، معین دفتر، پیشین، ص ۳۳۵.

۲- همان، ص ۳۳۱-۳۳۲ و ۳۳۵-۳۳۷ و ۳۳۹.

به دستور محمدناصر خان چوب مفصلی به او می‌زنند. حاج عباسعلی خان مدتی در چاه کاظم زندانی بود تا آنکه با وساطت حمزه خان کشکولی آزاد شد.^۱

هنگام بازگشت احمدشاه از سفر دوم اروپایی‌اش به ایران و ورودش از طریق بندر بوشهر در آذر ماه ۱۳۰۱ ه.ش قشقایی‌ها از وی در کنار دریاچهٔ پریشان کازرون استقبال کردند. رضاخان رئیس‌الوزرا نیز برای استقبال از احمدشاه به فارس آمده بود و مهمان صولت‌الدوله بود. در این زمان سه نفر از سران ایل (مسیح خان فارسیمدان، حاج عباسعلی خان و خضرخان کلانتر آردکیان) به صولت‌الدوله پیشنهاد می‌دهند که رضاخان را توقیف و حبس نماید زیرا بنا به عقیده آنان «رفتارهای رضاخان نشان می‌دهد که او فردی خطرناک است و ریشهٔ ایلات را خواهد کند». که البته صولت‌الدوله می‌گوید: «خودم از شما بهتر می‌دانم رضاخان تنها است من هم می‌توانم حکم توقیف او را بدهم ولی او مهمان من است و من این بدعت را در ایل نمی‌گذارم و این کار را نمی‌کنم».^۲

حاج عباسعلی خان در زمان دولت پهلوی اول و در دورهٔ حکومت نظامی قشقایی که از مرداد ۱۳۰۴ ه.ش آغاز شد گرچه به عملکرد آن حکومت اعتراض‌هایی داشت اما با حکومت نظامی نیز همکاری‌هایی داشت. در یک مورد می‌دانیم که در انتخابات دورهٔ ششم مجلس شورای ملی (۱۹ تیر ۱۳۰۵ ه.ش - ۲۲ مرداد ۱۳۰۷ ه.ش) که با حکومت نظامی یاور محمودخان پروین بر ایل قشقایی هم‌زمان بود، حاکم نظامی وظیفه داشت تا فرد مورد نظر رضاشاه را از این حوزهٔ انتخابیه معرفی کند. بر این اساس در ۲۵ اسفند ۱۳۰۴ ه.ش به دستور یاور محمودخان پروین انجمن نظار انتخابات در ایل قشقایی طبق قانون تشکیل شد. این انجمن ۳۲ نفره شامل کلانتران و سران طوایف و افراد باسواد قشقایی می‌شدند. در این دوره حاج عباسعلی خان کشکولی نیز عضو انجمن نظار بود.^۳

۱- همان، ص ۳۵۲.

۲- همان، ص ۱۷۲.

۳- نام برخی از اعضای ۳۲ نفرهٔ انجمن نظار که توسط حاکم نظامی انتخاب شدند عبارتست از احمدخان کلانتر شش‌بلوکی، قهرمان خان کلانتر گله‌زن، حاج عباسعلی خان کلانتر کشکولی، میرزا نصرالله خان، میرزا ابوطالب، ذوالفقارخان فارسیمدان، سرتیپ‌خان دره‌شوری، حمزه‌خان صفی‌خانی، حسین‌خان (دره‌شوری) کلانتر عمله، اسفندیارخان کشکولی، شهبازخان قره‌خانی، بهمین بیگ کهلو، گنجعلی بیگ طیبی، ملا بهرام شش‌بلوکی، فرهاد بیگ چگینی، محمد قراچه و غیره.

در زمان سلطنت رضاشاه و شورش ایلات فارس که از سال ۱۳۰۷ ه.ش بر ضد تعدیات و زورگویی‌های نظامیان و سیاست‌های ضدعشایری رضاشاه صورت گرفت قشقای‌ها نیز از سال ۱۳۰۸ ه.ش در این شورش و اعتراض شرکت داشتند. حاج عباسعلی خان و حمزه خان، کلانتران طایفه کشکولی کوچک نیز از جمله خوانین و کلانتران فعالی بودند که در اردوی علی خان سالار حشمت حضور داشتند و بر ضد اقدامات ضدعشایری دولت پهلوی و زورگویی‌های نظامیان‌شان فعالیت می‌کردند. یکی از خواسته‌های آنها آزادی صولت‌الدوله از زندان و بازگشتش به فارس بود. اما با خاتمه جنگ و اعلام عفو عمومی، رضاشاه به قول خود پایبند نماند و کسانی که در این جنگ و شورش حضور داشتند به نوعی مجازات نمود از جمله این افراد حمزه خان کشکولی بود که به تهران تبعید شد ولی حاج عباسعلی خان هم چنان در کلانتری طایفه کشکولی کوچک ابقا شد.^۱

حاج عباسعلی خان سرانجام در سال ۱۳۲۶ ه.ش دار فانی را وداع گفت و در جوار امام زاده شاهزاده محمد کاکان سپیدان به خاک سپرده شد.^۲

در پایان لازم است از آقایان حیدرخان و شیرخان عباسی کشکولی (نوادگان حاج عباسعلی خان کشکولی)، محمد زاهدی (نوه ملاحیدر زاهدی) و نیز آقای غلامرضا جهانشاهی استاد خوشنویسی که به سرانجام رساندن این مجموعه بدون راهنمایی‌های بی‌دریغشان میسر نبود تشکر و قدردانی شود.

منصور نصیری طیبی

بابک زیلاب‌پور

زمستان ۱۴۰۰

۱- در خصوص قیام و شورش ایلات فارس بر ضد سیاست‌های دولت پهلوی اول رجوع شود به کاوه بیات، شورش عشایری فارس ۱۳۰۷-۱۳۰۹ ه.ش، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۵.

۲- به نقل از شیرخان کشکولی، تابستان ۱۳۹۹.

[تاریخ وقایع ایل قشقایی به تقریر ملا حیدر زاهدی]

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشایش مهربان

پس از ستایش یزدان پاک و فروزنده اختر تابناک و پدیدآرنده آب [و] خاک، آیت «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً»^۱ بعد از حمد و ثناء خداوند تبارک و تعالی [که] از هر چیز منزّه و مبرا است و قادر و توانا می‌باشد و آفریننده تمام موجودات ارض [و] سماء است. که به قدرت کامله خود آفریده و نه مرکب بود و [نه] جسم، نه مرئی نه محل بی‌شریک است، معانی تو غنی‌دان خالق زمین و آسمان را بدون هائلی استوار نگاه داشته و در آسمان، آفتاب و ماه‌تاب و ستارگان را برای روشنایی زمین قرار داده و در روی زمین کوه‌ها آفریده. بر و بحر و چشمه‌سارها و رودخانه‌ها جاری نموده و نباتات رویانیده [است. و] سال و ماه و لیل [و] نهار قرار داده و بشر را به جهت زندگانی خلقت فرموده و برای هر کس شغلی معین فرموده که مدد معاش خود باشد که بتواند در دوره عمر خود زندگانی کند. وحوش و طیور، حیوانات و حشرات موزی و زیانکار و جانوران اهلی و کوهی، انواع اقسام به قدرت خود خلق فرموده و روزی آنها را یوماً فیوماً می‌رساند. و اشرف‌ترین تمام مخلوقات، بشر است زیرا که [خداوند] عقل و شعور و فهم [و] فراست [به او] عطا فرموده، به واسطه کیاست به سایر مخلوقات امتیاز دارد و تحصیل علم کند و به عبادت مشغول شود و خدای خود

۱- «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ» (من گنج پنهان بودم دوست داشتم که آشکار شوم پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم) حدیث قدسی مشهور و منسوب به پیامبر اسلام (ص).

را ستایش کند. و اگر بخواهم صفات خداوند را تعریف و توصیف [کنم] زبان از گفتار عاجز می ماند. همین قدر مختصراً خاتمه می دهم که خداوند عالم برای هدایت و راهنمایی بشر یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر و پیغمبرزاده معین فرمود که اول آنها آدم و آخر آنها حضرت پیغمبر، محمد ابن عبدالله صلوٰه الله و السلامه و خاتم پیغمبران است. که بعد از او هیچ پیغمبری به وجود نیامده و نخواهد آمد که وصی و جانشین او علی ابن ابوطالب با یازده فرزندانش بودند [۱].^۱

خاندان قشقایی^۲

چون از سابق از اوضاع پادشاهان سلف و سایر و گردش روزگار و سرگذشت بعضی ها در تواریخ اسم برده شده مقصود این بود که تاکنون از حالات وقایع قشقایی با اطلاع نبودند، این بنده حتی الامکان که مطلع بودم و از اشخاص کهن شنیده بودم توضیح دهم که بعدها خوانندگان محترم با اطلاع باشند. در اواخر دوره صفوی ایل قشقایی تمام خاکی بوده که در حدود مرو دشت سمیرم که حالیه هم معروف [به] وردشت [واقع در] پشت سمیرم می باشد^۳، زراعت و رعیتی می کردند و وسایل باری نداشته اند.^۴ افغانی ها که خروج می نمایند و بنای قتل [و] غارت به هر جا می گذارند، تا اینکه تمام اهالی سمیرم را غارت نموده و محل سکونت و دهکده آنها را آتش می زنند، لامکان شده رو به کوهسارها نهاده به غار سکونت می گیرند. مدت ها در کوهسارها سکنی کرده به بدبختی و به عسرت و دزدی به سر می برند تا به مرور دارایی، به هم بسته کرده بنای حرکت و جابه جا شدن می گذارند و سرحد و گرمسیر می نمایند.

۱- در پایان هر صفحه دست نوشته شماره آن در داخل قلاب ذکر شده است.

۲- اکثر عناوین فرعی را مصححان افزوده اند؛ عناوینی که در اصل بوده اند، مشخص شده اند.

۳- وردشت امروزه یکی از بخش های شهرستان سمیرم در شمال شهر سمیرم واقع است. این نکته که نویسنده نام وردشت را مرو دشت آورده به نظر نمی رسد درست باشد چون در غالب منابع و اسناد هیچ گاه نام وردشت، مرو دشت ثبت نشده است.

۴- قشقایی ها هیچ گاه به طور کامل کشاورز نبوده اند این مطلبی که نویسنده آورده که قشقایی ها کشاورز و زارع بوده اند صحیح به نظر نمی رسد. اما می توان این گونه تصور کرد که با حملات افغان ها به سمیرم و وردشت ساکنان روستاها غارت و آواره می شوند که به مرور برای امنیت جانی و مالی، جذب ایل قشقایی می شوند.

و در زمان نادرشاه افشار ایل خلج آمده ملحق به قشقایی می‌شود یکی طایفه خلج هم از طرف تهران آمده بوده، ولی کلاتر و کدخدای مهمی نداشته فقط اختیارات آن ایل مهم با ریش سفیدان بوده [است]. نامدار آقا^۱ که یک نفر شخص کافی و با ریاست بوده که امور مملکتی و زمام وزارت نادرشاه^۲ در تحت اختیار نامدار آقا بوده پیشرفت و ترقی می‌نماید. و دارای دو پسر بوده [به نام‌های] اسماعیل خان و حسن خان^۳ بعد از انقراض نادرشاه و فوت نامدار آقا سلطنت به کریم خان زند می‌رسد. اسماعیل خان [و] حسن خان داخل کار کریم خان می‌شوند. پس از چندی اسماعیل خان و حسن خان به درگاه کریم خان متهم و اسماعیل خان را اعمی و حسن خان را قطع یدین می‌نماید.^۴ بعداً از کار خود نادم در حالت کوری اسماعیل خان، کریم خان زند به مشاوره مهم حاضر می‌نموده. حسن خان بلاعقب و اسماعیل خان دارای یک پسر بوده و موسوم به جانی خان است. اسماعیل خان در زمان خود در دروازه باغ‌شاه بنای عمارت و باغ می‌گذارد که جانی خان به اتمام می‌رساند [۲]. طایفه قشقایی و طایفه خلج به اتفاق بنای ایلاتی را تهیه می‌کنند تا شیراز آمد و رفت [می‌کنند] و [به] سرحد [و] گرمسیر حرکت می‌نمایند.

[ایل قشقایی] تا زمان جانی خان کدخدای بالاستقلال نداشته، در حدود یک هزار خانوار تجاوز بوده‌اند [و] جانی خان هم خود را از کارهای اداری کناره [می‌گیرد]. اما [به واسطه] هرج [و] مرج و انحلال کشور، داخل طوایف شده خود را از شیراز خارج نموده و با طایفه رثوف و مهربانی رفتار می‌نماید و مردم با ایشان گردش کرده

۱- نامدار آقا فرزند بیگ محمد آقا فرزند صفرعلی آقا فرزند جانی آقا فرزند قاضی آقا فرزند امیر قاضی شاهلو قشقایی بوده است.

۲- رک: پیر ابرلینگ، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی‌پور، تهران، نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۳ ص ۳۱.

۳- اسماعیل خان و حسن خان فرزندان جانی آقا بوده‌اند نه نامدار آقا. همان، ص ۳۲.

۴- بنا به نوشته کتاب گلشن مراد، صادق خان زند دست‌های حسن خان را قطع می‌کند. هم‌چنین به نوشته کتاب فارسنامه ناصری در اواخر سلطنت زندیه یا به تهمت یا به بخت و اتفاق دست حسن خان را می‌برند و هر دو چشم اسماعیل خان را در می‌آوردند. البته به نظر می‌رسد که کور شدن اسماعیل خان به دستور نادرشاه افشار و نه در زمان حکومت زندیه بوده است. غفاری کاشانی، ابوالحسن، گلشن مراد، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ارژنگ، ۱۳۶۹، ص ۴۸۲-۴۸۳؛ حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، به تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۱۱۰۰.

و دور او جمع می‌شوند و جانی‌خان را رئیس خود قرار می‌دهند. در زمستان، ایل [را] به گرمسیر به اطراف کازرون^۱ و خشت [و] دالکی می‌برد و حکومت شیراز از شجاعت [و] دلیری جانی‌خان رضایت حاصل کرده و حکم ریاستی ایل را [به او] برگزار می‌نمایند. و بنای عدل و جلوگیری از اعمال شنیعه کرده از طرف بختیاری و بویراحمد و ممسنی و غیره طایفه متفرق شده، جزو قشقایی می‌شود.

عیال جانی‌خان هم از رؤسای بواناتی^۲ بود، از آن عیال یک پسر به وجود آمد [که] حاجی حسینقلی‌خان [نام داشته است]. که هنوز هم چند نفر از سلسله او باقی است که فعلاً در کامفیروز^۳ سکونت دارند [و] متمول و صاحب املاک هستند. و عیال دویم جانی‌خان [نازلی بی‌بی] صبیّه حسین‌خان کشکولی بوده که چهار پسر به وجود آمده که موسومند به محمدعلی‌خان ایلخانی، مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی، مصطفی‌قلی‌خان، محمدقلی‌خان ایلخانی. که محمدعلی‌خان دارای چهار پسر بوده است که معروف است اسدخان،^۴ جهانگیرخان، لطفعلی‌خان و حاجی نصرالله‌خان. مرتضی‌قلی‌خان هم چهار پسر داشته [به نام‌های] علیقلی‌خان، امیرقلی، قبادخان [و] حیدرقلی‌خان.^۵

مصطفی‌قلی‌خان دو پسر داشته [به نام‌های] سهراب‌خان و داراب‌خان [و] محمدقلی‌خان هم یک پسر داشته [به نام] سلطان‌محمدخان. اسدخان و جهانگیرخان

۱- در اصل کازران، در موارد بعدی نیز تصحیح شد.

۲- همسر اول جانی‌خان دختر حاج اسدالله کامفیروزی و اصالتاً از طایفه چهارده چریک بوده است.

قهرمانی ایبوردی، مظفر، تاریخ وقایع عشایری فارس، تهران، علمی، ۱۳۷۳، ص ۸۱

۳- کامفیروز یکی از بخش‌های پنج‌گانه شهرستان مرودشت فارس است که در ۱۲۰ کیلومتری مرکز استان یعنی شهر شیراز و ۸۰ کیلومتری مرکز شهرستان یعنی شهر مرودشت قرار دارد. آبادی‌های مهم آن عبارتند از: خانیمن، بکیان، مهجن آباد، تل سرخ، پلانگری نو، بی‌مور، شول پلنگی، شول بزرگ، شول دلخان، ساران، سیدمحمد. فرهنگ آبادی‌های ایران، جلد ۷، تهران، دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۳۰ ص ۱۸۲.

۴- اسدالله‌خان فرزند مرتضی‌قلی‌خان و ستاره بی‌بی است که با کشته شدن مرتضی‌قلی‌خان ستاره بی‌بی به عقد محمدعلی‌خان در می‌آید. فرزند چهارم محمدعلی‌خان علاوه بر جهانگیرخان، لطفعلی‌خان و حاجی نصرالله‌خان، محمدحسین‌خان نام دارد. قهرمانی ایبوردی، پیشین، ص ۱۱۰ و ۱۳۸.

۵- در حالی که مظفر قهرمانی از علیقلی‌خان، قبادخان، حیدرقلی‌خان و اسدخان به عنوان فرزندان مرتضی‌قلی‌خان نام می‌برد. اما بنا به اظهار ابوالحسن‌خان کهندل‌پور، مرتضی‌قلی‌خان ۵ فرزند به نام‌های علیقلی‌خان، قبادخان، امیرقلی‌خان، مهدیقلی‌خان و اسدخان داشته است. قهرمانی ایبوردی، پیشین، ص ۱۳۹؛ مصاحبه با ابوالحسن‌خان کهندل‌پور، پاییز ۱۳۹۷.

بلا عقب هستند.^۱ از حاجی نصرالله خان یک پسر [به نام] سلطان ابراهیم خان منی باشد. علیقلی خان چهار پسر داشته [به نام‌های] الله‌قلی خان، کهندل خان، حبیب‌الله خان و امان‌الله خان.^۲ لطفعلی خان هم یک پسر داشته [به نام] حاجی محمدصادق. [و] حیدرقلی خان [نیز] سه پسر داشته [به نام‌های] فتحعلی خان، اشرف خان [و] ابوالحسن خان. سهراب خان سه پسر داشته [به نام‌های] الله‌یار خان، بهادر خان [و] مصطفی خان.^۳ داراب خان [نیز] پنج پسر داشته [به نام‌های] عبدالله خان ملقب [به] ضرغام الدوله، اسماعیل خان ملقب [به] سردار عشایر، احمدخان ضیغم الدوله، امیر عطاخان امیر عشایر، علی خان ملقب [به] سالار حشمت. سرگذشت جانی خان و محمدعلی خان ایلخانی را بعداً توضیح داده می‌شود [اما] قصه داستان اجداد دو کشکولی که از کرمانشاه آمده‌اند [۳] [به شرح زیر است].

اجداد خوانین کشکولی

دو برادر بوده‌اند حسین خان و حسن از اهل کرمانشاه و شجاع و دلیر، داخل اردوی نادرشاه بوده. نادرشاه افشار عزم تسخیر هند را می‌فرماید در عرض راه نادرشاه حکم غارت و چپاول دهلی را می‌نماید. این دو برادر هم غنیمت کلی به دست آورده بودند در مراجعت اردو برای تسخیر بغداد نادرشاه امر می‌کند که کلیه و تمام غنیمت را باید برد یا بریزند. اردوی نظام از شنیدن این کلام هر کس در صدد پنهان نمودن چپاول می‌باشد این دو برادر تمام اشیا و غنیمت خودشان را برداشته از طریق خشکی خود را به وطن می‌رسانند و همشیره آنها در کرمان بوده [است]. بلااستثنا از آنجا حرکت کرده و جلای وطن نموده به خاک فارس وارد می‌شوند و [در] سمیرم حالیه

۱- جهانگیر خان بدون فرزند نبوده است بلکه وی دو فرزند پسر به نام‌های محمدحسن خان سرهنگ و عزیزخان داشت. قهرمانی ایبوردی، پیشین، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۲- بنا به اظهار مظفر قهرمانی، علیقلی خان دوبار ازدواج می‌کند. وی ابتدا حاجیه بی‌بی گوهر دختر محمدعلی خان ایلخانی را به عقد خود در می‌آورد که فرزندان به نام‌های کهندل خان، امان‌الله خان و حبیب‌الله خان به دنیا می‌آیند. و سپس با دختر عبدالرحیم خان فارسیمدان ازدواج می‌کند که فرزندان به نام‌های الله‌قلی خان و مهدی‌قلی خان به عرصه وجود می‌آیند. قهرمانی ایبوردی، پیشین، ص ۱۳۹.

۳- فرزندان سهراب خان عبارتند از ارغوان خان، ارسلان خان، الله‌یار خان، بهادر خان، مصطفی‌قلی خان (بزرگ)، اصلاخان و مصطفی‌قلی خان کوچک مشهور به قلی خان. قهرمانی ایبوردی، پیشین، ص ۱۴۳.

سکنی می‌کنند. در حدود بیست [و] پنج سال در سمیرم سکونت داشته‌اند و ایل قشقایی محل بیلاق اطراف سمیرم بوده آمد و رفت با هم‌دیگر می‌نمودند و آشنا بوده‌اند. و طایفه اُخچَلو هم در دولت‌قرین [وردشت] متوقف می‌کرده. به هر صورت حسین‌خان با خانه و منزل از سمیرم خارج [و] ملحق به طایفه می‌شوند و وسایل ایلاتی را تهیه می‌کنند.

تنگری‌وردی کدخدای طایفه اخچلو دختری داشته به محمد آقا پسر حسین‌خان به نکاح در می‌آورد و همشیره حسین‌خان را هم به اُرج بک بهلولی می‌دهند. و عیالی هم به جهت حسن آقا از طایفه دره‌شوری و تیره گوجلو عقد می‌نمایند. چون ازدواج و وصلت طرفین با طوایف می‌نمایند همه نوع همراهی و مساعدت درباره آنها نموده که به اندک زمانی صاحب ثروت و اموال می‌شوند. لکن اشخاص با کفایت و با لیاقت و با شرافت بوده‌اند که از فهم، فراست و ذکاوت بر تمام طوایف آن حدود برتری داشته‌اند. زمانی که جانی‌خان ریاست ایلات قشقایی را اشغال می‌نماید این دو نفر [حسن آقا و محمد آقا] را هم در حضور جانی‌خان معرفی نموده و به کارهای جانی‌خان مداخله می‌کردند. و حسین‌خان دختری داشته که [با] جانی‌خان ازدواج می‌نماید.

در آن عصر کلیه قشقایی شاید در حدود بیست هزار خانوار بوده که از هر طرف اقتدار و عدالت و شهامت جانی‌خان بیشتر می‌شود. از تمام نقاط ایران بنای آمدن ایلات می‌نماید که محل توقف زمستانه جانی‌خان در جره بوده و سایر طوایف به طرف [۴] کازرون، خشت، دالکی^۱ و خاک‌باوی و دشتستان به این قسمت‌ها محل قشلاق قرار می‌دهند، و به قوه قهریه هر کس منطقه‌ای را متصرف می‌شود. ولی خانه جانی‌خان چند مدتی هم در شیراز بوده و خانوار قشقایی زیاد می‌شود که تمام صفحات را متصرف می‌نمایند. از شیراز خارج و با ایلات سرحد و گرمسیر می‌نموده، پس از چند سال از جره تغییر مکان می‌دهد محل توقف زمستانه را در بابانجم^۲

۱- به دلیل رطوبت دیدگی متن یک کلمه ناخوانا.

۲- بابانجم: به احتمال زیاد محل دفن شیوخی از اهل طریقت به نام بابانجم بوده. این منطقه که در دامنه جنوبی کوه هایقر واقع است سالیان طولانی مرکز قلمرو ایلخانان قشقایی بوده است. گفته می‌شود برجی بر روی تل بابانجم توسط مصطفی‌قلی‌خان قشقایی بنا شد. خاطرات ملک منصورخان قشقایی، ص ۶۲.

اربعه^۱ زیر کوه^۲ فیروزآباد قرار می گیرد. که در آن زمان تعداد [افراد ایل] قشقایی تقریباً چهل [و] پنج هزار خانوار اضافه بوده که از حد قیر و کارزین در حدود خاک ممسنی و باوی ایلات قشقایی متصرف بوده اند.

حسن آقا و محمد آقا هم در خدمت گزاری خودشان غفلت نمی نمودند و منزلشان هم همیشه در جوار خانه جانی خان بوده.^۳

کوچ قشقایی ها به کرمان

و پسرهای جانی خان به سن رشد رسیده و پس از قرنی جانی خان از دنیای فانی به سرای جاودانی بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوسته. ریاست ایل قشقایی را به محمدعلی خان پسر ارشد جانی خان و ایل بیگی گری را به مرتضی قلی خان و لقب سردازی را به مصطفی قلی خان و حکم [و] رقم [و] خلعت از طرف سلاطین قاجاریه صادر می شود. با قدرت و توانا مشغول وظایف و انجام امور ایل، ساعی و جاهد می باشند. محمدعلی خان ایلخانی مقیم شیراز شده و زمام اختیارات و امر و نهی انتظام طوایف را مرتضی قلی خان ایل بیگی عهده دار می شود. و طرف توجه دولت قرار می گیرند و خدمات شایانی می نمایند و جلب رضایت سلاطین قاجار واقع می شوند. و هر ایالتی که به فارس می آمده ایلخانی را اول شخص قرار می دادند که داخل شورا می شده. تا زمانی که حسینعلی میرزا فرمانفرما پسر فتحعلی شاه قاجار را انتخاب و

۱- اربعه: از مجموع ۴ دهستان از ۷ دهستان فیروزآباد بود که به دو بخش اربعه بالا و اربعه پایین تقسیم می شد. دهستان اربعه بالا در جنوب و جنوب شرقی فیروزآباد بین کوه روشنو و تنگ فیروزآباد و رودخانه رودبال واقع شده و از آبادی های مهم آن رودبال و جبل النارویه [کوه نارویه] است. اربعه پایین نیز متشکل از سه دهستان دهرم، هنگام و زاخرویه با ۲۴ آبادی که در جنوب دهستان اربعه بالا واقع شده بود. فرهنگ آبادی های ایران، جلد ۷.

۲- زیر کوه: منظور ناحیه زیر کوه (دامنه جنوبی) کوه هایقر است.

۳- هنگام صحبت از ریاست طایفه کشکولی به طور عمومی ریاست آن طایفه را به حسین خان و فرزندانش از زمان نادرشاه به بعد می رسانند حال آنکه سابقه تاریخی طایفه کشکولی به نیمه دوم سلسله صفویه بعد از شاه عباس اول به ویژه به سلطنت شاه سلطان حسین می رسد. پورمحمدی املشی، نصرالله، زیلاب پور، بابک، «دریچه ای به تاریخ اجتماعی طایفه دره شوری قشقایی در دوره صفویه بر مبنای اسناد»، گنجینه اسناد، سال ۲۴، دفتر سوم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۶-۲۷.